

# نقد بیانیه اعلیحضرت بمناسبت بازگشت یکی از قاتلین بختیار به ایران

امیر فیض - حقوقدان

چهارشنبه ۲۶ مه ۲۰۱۰

۵ خرداد ۲۵۴۹

## نرخ میان دو دعوا:

بیانیه اعلیحضرت مورخ سی ام اردیبهشت ۱۳۸۹ (۲۵۴۹) در مورد بازگشت یکی از قاتلین بختیار به دامان پرورندگان با یک اشکال اساسی روبروست و آن گواهی نادرستی است که برای بختیار در بیانیه صادر شده است و بیانیه را مصداق «میان دعوا نرخ گذاشتن» و یا «قضاوت یکطرفه» ساخته است.

ولی قبل از اینکه دلایل بطلان و بی اعتباری گواهینامه مزبور ارائه شود، بنظر میرسد که موضوع مهمتری هم در بیانیه وجود داد که کلیت آن تقدم طرح آنرا هم مجاز می سازد.

## عذر تقصیر یا تاسف:

در بیانیه به تاسف و تاثیر اعلیحضرت از اینکه هم میهنان عزیزمان با چنین صحنه هایی از جنایت های اشغالگران وطن روبرو هستند و خون میخورند اظهار شده است.

احساس می شود که این سخن، جایش همینجاست که بعرض ایشان رسانده شود که هم میهنان اعلیحضرت هم نمی توانند تاسف و تاثیر خودشان را از اینکه اعلیحضرت به وظایف و تکالیفی که سنت و فرهنگ ایرانی و قانون اساسی مشروطیت برعهده ایشان گذاشته است و نسخه رهایی ایرانیان در آن ثبت و منظور شده است، اعتنایی نمی فرمایند و در مقابل اینطور وانمود میسازند که جای خالی خودشان را با بیانیه ها و اعلامیه ها پر می کند.

ابراز تاسف برای کسیکه قدرت اجرایی و قدرت معنوی دارد و از آن استفاده نمی کند، جای ورود ندارد زیرا، جای آنرا «عذر تقصیر» گرفته است.

تاسف در دومورد قابل عرضه کردن و در مسیر قبول قرار گرفتن است:

یکی - انسان نتواند به رفع اسباب تاسف کمک کند، مانند پیش آمد مرگ و تصادفات

دوم - وقتی است که انسان از همه امکانات خود برای موفقیت خود و یا ثالثی استفاده نکند ولی موفق نشود.

با توجه به اینکه تاسف اعلیحضرت با هیچ یک از ارکان کلی تاسف عمومی همراه نیست، لذا محتوای آن مشمول قاعده «عذر تقصیر» است و عذر تقصیر هم زمانی مطلوب است که به ادامه تقصیر پایان داده شود.

برخیز تا به عهد رسالت وفا کنیم      تقصیر های رفته به خدمت ادا کنیم

نمونه زنده ای که میتوان ارائه داد تا تطبیق مورد یا «عذرتقصیر» راحت و آسان شود اظهارات نخست وزیر ژاپن «یوکیو هاتویا» است که بخاطر عمل نکردن وعده اش در مورد برچیدن پایگاه نظامی آمریکا در اوکیناوا از مردم این کشور عذر خواهی کرد. نه اظهار تاسف (اخبار ۲۳ مه ۲۰۱۰)

### **یک مثال می تواند سخن را کوتاه کند:**

کسی را در نظر بیاورید که مادرش به بیماری سختی مبتلاست، نسخه درمان مادر درجیب تنها پسرش است. پسر در پیچیدن نسخه و درمان مادرش کوتاهی می کند. اوقاتش را صرف دوستان و خواندن آواز کوچه باغی می کند. آیا با ابراز تاسف، کار پایان میابد یا جبران قصور با پیچیدن نسخه و نجات مادر ممکن است؟؟ (!)

### **گواهی های قلبی وطن پرستی:**

تاسف دیگری که بیانیه موجد آن است این است که در این حیص و بیص، وطن پرستی بی بها شده است. چرا که اعلیحضرت هم از آمریکاییها گواهی وطن پرستی میخواهند (سخنرانی در شورای امور بین المللی دلاور - کیهان لندن)، و هم «گر گر» گواهی وطن پرستی و آزادیخواهی صادر می فرمایند آنهم برای کسانی که قصد، قطعه قطعه کردن ایران را داشتند و دارند.

بیان اعلیحضرت است که فرمودند: «... تا ایران قطعه قطعه نشده ما خواهیم جنگید»

آیا این تحلیل ها و گواهی های نادرست، قطعه قطعه کردن ایران را تسهیل نمی کند و موجبات پایان مبارزه که نهایت مورد علاقه اعلیحضرت است به نمایش در نمی آید؟؟ آیا ضرور نیست که ما در صدور گواهی نامه های وطن پرستی از تجزیه طلبان احتیاط بیشتر و بیشتر و باز هم بیشتر بنماییم؟؟

### **اما گواهی وطن پرستی بختیار:**

گواهی وطن پرستی، آزادیخواهی، آگاهی ژرف بختیار به ماهیت و اهداف واقعی خمینی که در بیانیه آمده است، تصدیق بی وقوف، مخدوش و بی اعتبار است و بقول حکیمی: «باید در ادای حق و تقریر رعایت صدق گردد» رعایت صدق نشده است و اثر چنین بی توجهی این می شود که وقتی یک قسمت از بیانیه بی اعتبار شد سایر مراتب بیانیه نیز از بی اعتباری بی نصیب نخواهد ماند.

### **رد ادعای وطن پرستی بختیار:**

در این لایحه اجازه فرمایید، به اتفاق فقط به ارائه دو دلیل اکتفا گردد زیرا مشروح کلام در نزد بزرگان و علما پسندیده نبوده و پای حقارت را به میان می آورد.

اشارتی که ابرو کنند اهل بیان      بنزد مردم دانا هزار دیوان است

بنابراین به ارائه فقط دو نمونه که متکی به اظهارات و اعلامات خود بختیار است استناد می شود که میدانید، اقرار و اعلام متهم آخرین کلام در قضاوت است:

نمونه اول: (از روزنامه سیاسیبه مورخ ۲۳-۱-۸۲ نقل و در سنگر نهم اسفند ماه ۱۳۶۰ در شماره ۱۰۷ آمده است)

بختیار: الجزر الثلاث نیست لا، ایران ولا يجب ان نقاتل جيراننا - روزنامه السیاسیه والعرب در مصاحبه ای نقطه نظر های آقای بختیار را در مورد جزایر سه گانه ایران در خلیج پارس که پس از ۸ سال به همت شاهنشاه فقید و ارتش شاهنشاهی ایران از اشغال انگلیسی ها و اعراب آزاد شدو بخاک ایران پیوست سنوال نموده و جواب آقای بختیار به این شرح است:

جزایر سه گانه متعلق به ایران نیست و ایران نباید برسر آنها با همسایگان خود کشمکشی داشته باشد. بعنوان ارمغان!!! و سندی در شماره مورخ ۲۳ ژانویه سال ۸۲ خودیه دنیا ارایه داده است. ما این توطئه های مشترک روزنامه های عربی و شاپور بختیار را که برای محق جلوه دادن تجاوز عراق به خاک ایران تدارک شده و نیز گویای معاملات خانانه ای در مورد جزایر ایران بین بختیار و عراق است بشدت محکوم می نمایم.

آیا سندی که ملاحظه می فرمایید و مشروح آن و اعتراضات وارده بر آن در سنگر های شماره ۱۰۷ و ۱۰۹ گردآوری شده است، باز هم بختیار وطن پرست شناخته می شود و یا یک وطن فروش مسلم بنفع کشور بیگانه و به زیان کشور خودی؟؟

مبارک بیانیه مباد، این قلب بزرگ و نادیده گرفتن حقوق ایران، بوسیله یک نامرد سیاسی، خارک را به بمباران کشید.

### **مصاحبه بختیار با پاری ماچ به تاریخ ۱۳ اکتبر ۱۹۸۳:**

دولت عراق از کشور فرانسه تعدادی هواپیماهای سوپراتاندا که پیشرفته ترین هواپیما های آن زمان بود (۱۹۸۰) خریداری کرده بود ولی دولت فرانسه به مناسبت اینکه عراق آغاز کننده جنگ بود و از طرفی این هواپیما ها قادر به بمباران صنایع نفتی ایران براحتی بودند و این امر منجر به بحران انرژی در جهان می شد، آن موقع رییس جمهور فرانسه ژیسکار دستن بود، گزارشگر پاری ماچ به بختیار می گوید: «ژیسکار دستن، گفته است؛ فرانسه در تحویل هواپیماهای سوپراتاندا مرتکب یک بی احتیاطی بزرگ شده که میتواند موجب یک بحران نفتی بشود، بختیار پاسخ می دهد. «من به هیچوجه با او همعقیده نیستم و حتامتاسفم که ژیسکار دستن بعداز آنکه خمینی را به فرانسه پذیرفت هنوز جرات می کند برای دومین بار از او دفاع کند...»

گزارشگر سنوال میکند: اگر عراقیها تصمیم بگیرند که ترمینال نفتی خارک را بمباران کنند سوپراتاندارهای فرانسوی چه خواهد شد؟ بختیار پاسخ می دهد: «بهتر بود عراقی ها به جزیره خارک حمله میکردند... اگر عراقیها با بریدن شاهرگ نفت ایران زیر پای خمینی را خالی میکردند و ایران از درآمد ۶۰ میلیون تن نفت در روز محروم می شد... جنگ فوراً تمام می شد.»

حاشیه: ۶۰ میلیون تن در روز عین کلام بختیار است پاسخ این مهمل گویی بختیار در سنگر هفتم آذرماه ۱۳۶۲ مشروحا توضیح داده شده است (پایان حاشیه)

علاقمندان به مشروح جریان میتوانند به سنگر های ۲۹ آبان و هفتم آذر ماه سال ۱۳۶۲ مراجعه نمایند.

فکر میکنم همین دو سند و دلیل برای بطلان وی اعتبار بودن بیانیه نسبت به بختیار کافی باشد زیرا وجدان هر انسانی هر قدر هوایی باشد نمیتواند از ناراحتی از چنین اظهاراتی در امان بماند.

بختیار دوبار حقوق ایران را نسبت به جزایر سه گانه ادعای غاصبانه و تجاوزکارانه خوانده است یکی همان گفتگوی با روزنامه السیاسیه که فتوکپی آنرا ملاحظه کردید (بصورت تایپ در اینجا آمد) و بار دوم با روزنامه گویش ترکیه به تاریخ ۲۳-۶-۱۹۸۵ (علاقمندان می توانند به سنگر های ۲۶۱، ۲۶۲، و ۲۶۳ مراجعه فرمایند)

## **بیاد بیاوریم و فکر کنیم:**

در آغاز حمله عراق به ایران، اعلیحضرت با صدور اعلامیه ای آمادگی خودشان را برای حضور در جبهه جنگ و دفاع از حمله عراق اعلام فرمودند و بالطبع بنابر تخصصی که در امر هواپیمایی داشتند مسلماً حضور در جبهه به معنای دفاع هوایی از حمله های عراق بود.

آیا حضور اعلیحضرت در جنگ های هوایی با هواپیما های سوپراتاندار که بنا بر فشار بختیار در اختیار عراق برای بمباران خارک قرار گرفته بود و اعلیحضرت می بایستی با آنها مقابله هوایی بنمایند، از مصادیق وطن پرستی بختیار محسوب می گردد؟؟؟